

معناسازی در شرایط طرد: مطالعه محله حکمت آباد کرمانشاه

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۸، شماره یک: ۱۹۸-۱۸۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

خدیدجه محمدی

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

همایون مرادخانی^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

محمد فرهادی

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

ب‌یرش ۱۳۹۹/۸/۹

دریافت ۱۳۹۸/۴/۱۲

چکیده

شهر و محله‌های شهری به‌عنوان فضای زیسته و مکان زندگی، همواره متأثر از فرهنگ و کنش انسانی در حال تحول‌اند. از این رو هویت محله‌ای از ویژگی‌های ضروری حیات شهری و حاصل کنش‌ها، تعلقات و انسجام جمعی در مرزبندی محلات است. پژوهش حاضر ناظر بر بررسی این وجه از هویت در محله حکمت‌آباد شهر کرمانشاه است. روش به کار رفته در این پژوهش کیفی و از نوع اتنوگرافی است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هویت محله‌ای در محله حکمت‌آباد طی فرآیندی از تعامل‌ها شکل گرفته است. افراد هویت خود را با محله می‌شناسند و به آن فضا تعلق دارند، زیرا محله مورد نظر کنش‌های افراد را علی‌رغم نگاه منفی رایج در شهر پذیرا می‌شود و به نوعی از حس سرخوردگی و طرد شدگی آنها می‌کاهد. از این منظر هویت محله‌ای در حکمت‌آباد به معنای تحمل تفاوت‌ها و اهمیت‌دادن به تجربه زیسته آنهاست.

واژگان کلیدی: هویت محله‌ای، حاشیه‌نشینی، طرد اجتماعی، تجربه زیسته، حکمت‌آباد

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط hmoradkhani@razi.ac.ir

طرح مسئله

می‌دانیم که شهرها بر اساس مناسبات قدرت و ثروت شکل گرفته‌اند و این مناسبات می‌توانند ساکنان یک شهر را درون حلقه‌های تور خود گرفتار کنند. اما از آنجا که حیات جمعی و الزامات ناشی از آن بخش مهمی از هویت ساکنان یک شهر را شکل می‌دهد، لذا افراد برای مواجهه با این وضعیت دست به عمل می‌زنند و با تعریفی که از هویت خود در متن این مناسبات به دست می‌دهند، در پی معنا دادن به موقعیتی برمی‌آیند که در آن به سر می‌برند. هویت محله‌ای از جمله عناصر مهمی است که توسط ساکنان یک محله قوام می‌گیرد تا از آنها در برابر هجوم نیروهای انتزاعی بازار و کالایی‌شدن شهر تا اندازه‌ای محافظت کند. در اینجا منظور از هویت محله‌ای، داشتن گرایش و احساس خوب به اجتماع محله‌ای است؛ به گونه‌ای که افراد در برابر محله احساس مسئولیت داشته باشند و خود را جزئی از محله بدانند. تردیدی نیست که گاه ممکن است برخی از ویژگی‌های محلات، حاصل تلاش و ابداع خود ساکنان آنها باشد و به تدریج به جزئی از هویت آنها بدل شود. همانطور که استوارت هال می‌گوید:

هویت‌ها آنقدر که با اختراع سنت‌ها رابطه دارند با خود سنت‌ها ارتباط ندارند. آنها ما را مجاب می‌کنند که سنت را نه به‌عنوان یک تکرار، بلکه به‌عنوان امری در حال تغییر تعبیر کنیم، ماجرا چیزی به اسم بازگشت به ریشه‌ها نیست بلکه سازگار شدن با مسیرهاست که هویت‌های جدید از روایت‌پردازی خود ریشه می‌گیرند (هال، ۱۳۹۶: ۲۲).

از این رو می‌توان انتظار داشت که سنت‌های ابداعی به شکل تدریجی و طی روندی طولانی از بطن تکاپوی ساکنان یک محله جهت انطباق‌پذیری با وضعیت دشوار آن محله شکل گیرند و در فرآیند تحول تاریخی یک فضای شهری و از خلال اجرای مناسک و آیین به بخشی از هویت محله‌ای افراد تبدیل شوند. به قول هال، سنت‌هایی که ادعای قدیمی بودن دارند، اغلب دارای ریشه‌های کاملاً جدیدند (همان: ۷۶).

محله حکمت‌آباد از نظر شاخص‌های رفاهی و در مقایسه با نزدیک‌ترین محله‌های اطراف آن، یعنی محله‌های رودکی، شهرک معلم و تعاون که دورتادور محله حکمت‌آباد را فراگرفته‌اند، جزو محلات کمتر برخوردار کرمانشاه محسوب می‌شود. محله حکمت‌آباد همچون سایر محله‌های کمتر برخوردار، حال و هوایی روستاگونه دارد و اغلب ساکنان آن را مهاجران و

فرودستان شهری تشکیل می‌دهد. هویت محله‌ای در این محلات اغلب به سمت و سوی میل می‌کند که عملاً بخشی از همان سنت‌ها و مناسک گذشته را به گونه‌ای دیگر در فضای شهری تکرار کند.

می‌دانیم که به وجود آمدن محله‌های فقیرنشین یک واقعیت شهری است و همانطور که گیدنز می‌گوید: فرآیند شهری شدن، همچون جهانی شدن، فرآیندی دولبه و تناقض‌آمیز است. زیرا این فرآیند آثاری سازنده و ویرانگر در شهرها ایجاد می‌کند. از یک سو، امکان تجمع افراد، کالاها، خدمات و فرصت‌ها را فراهم می‌سازد در عین حال موجب گسستگی و تضعیف مکان‌ها، سنت‌ها و شبکه‌های موجود می‌شود. به موازات ظرفیت‌ها و استدلال‌های تازه‌ای که از طریق تمرکز و رشد اقتصادی خلق می‌شود آثار و عواقب خطرناک فرآیند حاشیه‌ای شدن نیز به وجود می‌آید. این مسأله، نه تنها در کشورهای رو به توسعه بلکه در کشورهای صنعتی هم وجود دارد که بسیاری از ساکنان شهر در حاشیه و بیرون از قلمرو اشتغال رسمی و حکومت قانون و فرهنگ مدنی زندگی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۶۱).

محله حکمت‌آباد نیز از این قاعده مستثنی نیست و از بسیاری خدمات شهری محروم است، ولی با این حال کسب و کارهای گوناگونی در آن شکل گرفته است و به نظر می‌رسد افراد هویت خود را بر حسب الزامات فضای زیست‌شان سامان بخشیده‌اند. علی‌رغم نابرخورداری و عدم توجه دولت و کمبود امکانات رفاهی در این محله و با وجود حجم عظیمی از مشکلات (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)، همچنان افراد در این محله سکونت دارند و شیوه‌های گوناگونی برای بقای خود ابداع کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده تا نشان دهیم که افراد چه واکنشی به چنین اوضاعی دارند، این مناسبات را چگونه درک می‌کنند، تا چه اندازه سعی در تغییر یا همنوایی با آن دارند و هویت محله‌ای آنان با توجه به وضع کنونی و تاریخ اجتماعی محله چگونه است؟

چارچوب نظری

هویت فرد یا فضا، در مقابل دیگری و در تفاوت از دیگری شکل می‌گیرد. بنابراین، همین تفاوت باعث خاص بودن هویت آن فرد یا فضا می‌شود. ما هر چیزی را راجع به خود نمی‌گوییم، بلکه تنها چیزهایی را می‌گوییم که برای دیگران مهم است یا ما فکر می‌کنیم که مهم

است. هر هویتی بنا بر الزاماتی که دارد دیگران را نام‌گذاری می‌کند، حتی اگر دیگران خاموش و ساکت باشند. شاید همین هم سبب شده تا هر محله نام‌گذاری‌هایی برای دیگر محلات و برای تمایز از دیگری صورت دهد. از این رو به نظر می‌رسد که رواج پاره‌ای اصطلاحات (مثل پایین‌شهر، بالاشهر، ویت‌ترین شهر، حاشیه شهر، انبار شهر و...) در راستای ایجاد هویت‌های متمایز از یکدیگر است.

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از مهم‌ترین بخش‌های اندیشه استوارت هال در رابطه با بحث هویت است. می‌توان دو دیدگاه کلی نسبت به هویت داشت؛ اول دیدگاهی است که بیشتر متناسب بر درک دکارتی از مفهوم سوژه است که گویا سوژه (یا فرد)، خود، امری مستقل، خودآگاه، عقلانی، خودبنیاد و اندیشیده است. خود یا سوژه به نوعی یک هستی یا موجودیت از پیش تعیین‌یافته، شکل‌گرفته و کامل دارد. در برابر این دیدگاه، استوارت هال با توجه به آن درکی که از مفهوم بازنمایی و معنا ارائه کرده معتقد است معنا در خودش نبوده و خودبسنده و کامل نیست، بلکه معنا امری ناتمام و درجریان (یا شدن) است و نوعی صیورورت دارد. به باور استوارت هال، هویت‌ها هم همیشه ناتمام، همیشه در جریان و همیشه وابسته هستند و در فرایند بازنمایی است که هویت‌ها شکل می‌گیرند.

استوارت هال سه برداشت از مفهوم هویت ارائه کرده است که سیر تحول تاریخی این مفهوم را از دوره روشنگری تا دوران پسامدرن بازگو می‌کند. نخست، هویت به‌مثابه امری یکپارچه و منسجم. دوم، هویت در رابطه با دیگری مهم. سوم، هویت در امر گفتمانی. رویکرد گفتمانی، هویت‌یابی را به‌مثابه نوعی برساخت در نظر می‌گیرد، فرایندی که هرگز کامل نمی‌شود و همیشه در جریان است. پیوند کاملی که هویت‌یابی پیشنهاد می‌کند پندار یکی‌سازی است. هویت‌یابی مانند همه کردارهای معنابخش، موضوعی است برای بازی تفاوت، چون به‌مثابه فرایندی در طول تفاوت عمل می‌کند، مستلزم عملی گفتمانی پیونددهنده و نشانه‌گذار مرزهای نمادین و محصول اثرات مرزی است (هال، ۱۳۹۶: ۲۲)؛ پس تمامی تفکرات و انگاره افراد توسط گفتمان غالب آنها پی‌ریزی می‌شود. اینکه افراد در محلات کمتر برخوردار شهری یا اصطلاحاً پایین‌شهر نسبت به محلات برخوردار شهری یا بالاشهر دیدی منفی دارند، چیزی است که کاملاً در ذهن آنها شکل گرفته است و توسط گفتمان غالب‌شان اداره می‌شود.

این فرایند ایجاد تمایز و تفاوت برای جدا شدن از دیگری، نه‌تنها در فرایند هویت‌یابی

فردی شکل می‌گیرد بلکه در مورد فضا نیز مصداق دارد. افراد می‌خواهند ویژگی‌هایی را برای محل زندگی خود برشمارند که متمایز از دیگر فضاهاست. افراد محله خود را با فضایی که در آن زندگی می‌کنند می‌شناسند و این بخشی از هویت آنان می‌شود. البته این هویت دائمی نیست و با جدا شدن از آن فضا، هویت نیز تغییر می‌کند. همان‌طور که استوارت هال می‌گوید:

سوژه‌ها در زمان‌های متفاوت، هویت‌های مختلفی را می‌پذیرند، درون ما هویت‌های متضادی وجود دارد که ما را دائماً تغییر می‌دهند اگر فکر کنیم از تولد تا مرگ هویت یکپارچه‌ای داریم فقط بدان خاطر است که ما داستان یا روایتی آرام‌بخش از خودمان می‌سازیم. هویت همیشه به وسیله حافظه، تخیل، روایت و اسطوره ساخته می‌شود و هویت‌های فرهنگی نقاط ناپایداری برای شناسایی هستند که در درون گفتمان‌های تاریخ و فرهنگ ساخته شده‌اند (هال، ۱۹۹۰).

هال معتقد است که این فرایند هویت‌یابی امری دوسویه است؛ یعنی در تعامل با دیگری است و با یک غیریت است که سوژه خود را تعریف کرده و به وجود می‌آورد. به تعبیر او، هویت همیشه از طریق شکاف‌خوردن یا دونیم‌شدن بنا می‌شود؛ دونیم‌شدن میان آنچه هست و آنچه دیگری است. در بحث هویت همیشه دو دسته موضوع یا سؤال وجود دارد؛ یکی سؤال-هایی که مربوط می‌شود به تشابهات ما و دیگری، و سؤالاتی که به تفاوت‌های ما مربوط است. یعنی گروهی که از جهاتی به هم شبیه‌اند، حول و حوش یک شباهت و یک دال مرکزی که آنها را شبیه می‌کند، هویت کسب می‌کنند. ولی به اعتقاد هال این شباهت‌ها نیست که هویت‌ها را می‌سازد، بلکه آن چیزی است که در تعامل با دیگری و با یک غیر می‌خواهیم آن را برجسته کنیم. در واقع هویت‌ها، روایت‌هایی است که ما از خود، تاریخ و ویژگی‌هایمان برای یک دیگری بیان می‌کنیم (دهقانی، ۱۳۹۴: ۳). هویت بدون رابطه دیالکتیکی با دیگری وجود ندارد، دیگری بیرون قرار نگرفته، درون خود اوست. هویت، رابطه دیگری با خود است. افراد خود را از دیگری متمایز می‌کنند، اما هیچ دیگری‌ای کاملاً متفاوت نیست. داشتن ویژگی‌های مشترک با دیگری به یک ایده‌آل تبدیل شده است. هویت از طریق امر خارجی و رابطه با دیگری شکل می‌گیرد، نسبت به آنچه نیست و فاقد آن است اما در دیگری وجود دارد. هویت‌ها به دلیل توانایی در رد کردن و رها کردن می‌توانند به‌عنوان نقاط شناسایی و وابستگی عمل کنند، آنها نقاط وابستگی موقت هستند (هال، ۱۹۹۶: ۶).

هویت افراد تغییر می‌کند و با توجه به شرایط و فضا و تعامل با دیگر افراد شکل دیگری به

خود می‌گیرد. همانطور که هال می‌گوید: این برداشت که هویت به معنای این است که همه مردم دید یکسان و احساس یکسان داشته باشند و خود را یکسان بنامند یاوه‌ای بیش نیست. هنگامی که افراد موقعیت خود را تغییر می‌دهند، احساس آنان و هویت آنان نسبت به خود و محل زندگی‌شان تغییر می‌کند و همواره به شکل ثابتی نمی‌ماند. هویت محله‌ای نیز فرایندی از تعامل‌ها، پیوندها و تعلق‌هاست که در وضعیت مکانی و زمانی خاص مجال تکوین می‌یابد. هویت افراد نیز در برخورد با دیگری شکل می‌گیرد. دیگری کسی نیست که فرد خود را با او یکی بداند بلکه کسی است که او را والاتر یا پست‌تر می‌شمارد.

روش‌شناسی

در این تحقیق از روش اتنوگرافی استفاده شده است. روش مردم‌نگاری شامل مجموعه‌ای از اطلاعات درباره تولیدهای مادی، روابط اجتماعی، باورها و ارزش‌های اجتماع است. نوشتار اتنوگرافیک حاصل تأثیر متقابل لغزیدن بودن در خود و بودن با دیگری است. در جهان عادی که ما در آن زندگی می‌کنیم همواره نیازهایمان را با نیازهای دیگران تنظیم می‌کنیم و اندیشه‌های خود را در مقابل تجارب زندگی دیگران می‌آزماییم (جکسون، ۱۳۹۶: ۳۳). در واقع در این روش محقق در محیطی که مردم در آن سرگرم زندگی واقعی خود هستند به مطالعه می‌پردازد. از طرفی، در روش مردم‌نگاری اگر محقق خود از جامعه مورد مطالعه باشد و به‌عنوان دیگری یا غریبه شناخته نشود بهتر در دسترس قرار می‌گیرد و مصاحبه‌شوندگان واقعیت را بدون هراس از (تنبیه قانونی و...) بازگو خواهند کرد، زیرا محقق راجزئی از دایره هویتی مکان خود می‌داند و به وی اعتماد می‌کنند.

در این پژوهش، از تکنیک‌هایی چون مشاهده، مشاهده مشارکتی و مصاحبه با افراد محله و مطلع استفاده شده است. ابتدا با حضور در محله و آشنایی با ساکنین، اطلاعاتی گردآوری شد و در ادامه از افرادی که جزو قدیمی‌ترین افراد ساکن در این محله محسوب می‌شدند و اطلاعات مفیدی از گذشته آن داشتند مصاحبه صورت گرفت. همچنین تلاش شد با تمامی طیف‌های سنی افراد محله (کودکان، نوجوانان، جوانان و کهنسالان) مصاحبه‌هایی در قالب گفتگوی دوستانه صورت گیرد.

برای صحبت با افرادی که لهجه سورانی داشتند، نیازمند تأمل و دقت بیشتری بودیم و

مصاحبه با افراد کولی مستلزم این بود که به تنهایی وارد کوچه آنان و محدوده خاص آنها نشویم و همیشه همراه یک فرد آشنا حرکت کنیم. صحبت با سالخوردگان نیازمند صبروری بیشتر و صدای بلندتر به سبب شنوایی پایین آنان بود. این گروه آخر، هنگامی که از گذشته محله سخن می‌راندند، خواسته و ناخواسته آن را با تاریخ زندگی خود ادغام می‌کردند و طی این فرآیند سرگذشت فرد و فضا توأمان بازگو می‌شد و گاهی سخن به درازا می‌کشید.

چگونگی شکل‌گیری محله حکمت‌آباد

شاید لازم باشد که ابتدا از نام‌گذاری این محله سخنی بر زبان آورده شود. علی‌الظاهر کدخدای روستا فردی حکیم بوده که اطلاعاتی راجع به طب و پزشکی داشته است و مردم برای مداوا به خانه او مراجعه می‌کردند. از طرفی قلعه‌ای در روستا وجود داشته که مردم ذخیره گندم و جوی خود را در آنجا نگهداری می‌کردند. شاید پیوند این دو امر، یعنی مکان پراهمیت و شخص قابل احترام، سبب نام‌گذاری این روستا به نام قلعه حکیم‌باشی شده است. به لحاظ جغرافیایی، یک رود قلعه حکیم‌باشی را به دو قسمت تقسیم می‌کرده است. اولین مدرسه به نام رشد در محلی به نام جای خرمن که محلی همگانی بود ساخته شده است. جای خرمن محلی بود که محصولات کشاورزی روستا در آنجا گردآوری می‌شد. ساکنان اصلی حکمت‌آباد باقی‌مانده روستاییان قلعه حکیم‌باشی هستند. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ مهاجران بسیاری جذب این محله شدند. از این حیث، گسترش جغرافیایی-جمعیتی محله حکمت‌آباد بعد از سال ۱۳۵۵ است.

جدول ۱. شکل‌گیری محله حکمت‌آباد

دین-مذهب	گویش	گونه‌شناسی	
اسلام-شیعه	کرد	اهالی روستای قلعه حکیم‌باشی	ساکنان اولیه
اسلام-شیعه	کلپایی-ترکی	سنقری‌ها، دینوری‌ها، بیلواری‌ها	موج اول مهاجران
اسلام-شیعه	لک	پایروندی‌ها	موج دوم مهاجران
اسلام-اهل سنت	سورانی	روانسری‌ها، جوانرودی‌ها	موج سوم مهاجران

منبع: داده‌های میدانی، ۱۳۹۸

البته در این میان کولی‌ها به زبانی شبیه به کردی سورانی تکلم می‌کنند و مذهب مشخصی ندارند و همچنین در این محله عده‌ای دارای مذهب اهل حق هستند که تعداد آنان اندک است.

موقعیت جغرافیایی محله

حکمت‌آباد از روستای حوزه طاق‌بستان بوده که طرح‌های مختلف آماده‌سازی شهری آن را وارد بافت جدید شهری کرده است. امروزه این محله جزو محدوده شهری است و دیگر آن روستای پیشین وجود ندارد. حکمت‌آباد از شمال محدود به بافت‌های آماده‌سازی شده است که تفاوت ساختاری و ظاهری با بافت روستایی دارد. در شرق آن رودخانه چم‌بشیر وجود دارد که از طاق‌بستان سرچشمه می‌گیرد. از غرب به شهرک معلم منتهی می‌شود و از جنوب به کاربری‌های کناره جاده سنندج محدود می‌شود. مساحت کلی محله ۴۰ هکتار است که این مساحت نهایتاً حد توسعه این محله است و استعداد توسعه‌ای در این زمینه را ندارد. این محله به دلیل هسته روستایی مالکیت خصوصی دارد و اراضی آن توسط خود مردم قطعه‌بندی شده و به فروش رسیده است (طرح تحقیقاتی ویژگی‌های تاریخی-فرهنگی کرمانشاه، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

جدول ۲. موقعیت جغرافیایی محله حکمت‌آباد

اسم	موقعیت	قدمت	نوع بافت	مقیاس	مساحت (هکتار)
حکمت‌آباد	شمال-مرکزی	۱۳۴۰	روستا	محله	۴۰

منبع: اطلس محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه، سازمان بهزیستی، ۱۳۹۰

جمعیت محله

تازه‌ترین سرشماری مربوط به سال ۱۳۹۵ است که جمعیت کل این منطقه را ۹۸۹۷ نفر اعلام کرده است.

جدول ۳. سرشماری عمومی سال ۱۳۹۵ محله حکمت‌آباد

جمعیت	مرد	زن
۱۳۹۰	۵۵۸۹	۵۲۷۹
۱۳۹۵	۴۷۹۸	۵۰۹۹

منبع: دفتر تسهیل‌گری محله حکمت‌آباد، ۱۳۹۸

معماری و ریخت‌شناسی کوچه‌ها و محله

بسیاری از خانه‌ها را خود اهالی ساخته‌اند. در واقع، زمین‌ها قطعه‌بندی شده و به صورت تکه‌های بزرگ و کوچک به فروش رسیده که نوعی بی‌قوارگی در ساخت خانه‌های محله به وجود آمده است.

همانطور که داده‌ها نیز نشان می‌دهد، این بی‌قوارگی به شکل بارزی خود را نمایان می‌سازد. خانه‌های بزرگ در کنار خانه‌های کمتر از ۵۰ متر به فاصله‌ی اندکی وجود دارند. بسیاری از خانه‌های با متراژ بالا همان خانه‌های قدیمی روستایی هستند و از مصالحی چون خاک و چوب الوار برای ساخت آنان استفاده شده است و طبق استاندارد ساخته نشده‌اند.

ساخت‌وسازها در این محله نیز نشانی از ذهنیت مردمان این محله راجع به بهداشت و آسایش را نشان می‌دهد. در خانه‌های قدیمی محله حمام ساخته نشده است. خانه‌های اولیه در اطراف قلعه و به صورت دایره‌ای ساخته شده‌اند و هنوز هم در خیابان اول نشانه‌هایی از دایره‌ای بودن پشت خانه‌ها وجود دارد. بسیاری از خانه‌های کوچک که در نزدیک چم‌بشیرند توسط خود اهالی ساخته شده‌اند. فقرا قدرت مبارزه با نیروهای دولتی را ندارند، اما سعی دارند که به شیوه‌های مختلفی خانه‌ای برای خود دست‌وپا کنند و به هر شکلی که مقدور است صاحب خانه شوند و برای این هدف به راهکارهای زیرکانه‌ای متوسل می‌شوند.

تعداد کل واحدهای مسکونی محله

جدول ۴. تعداد کل واحدهای مسکونی محله حکمت‌آباد

۲۸۶۶	تعداد کل واحدهای مسکونی معمولی
۵۰۴	تعداد واحدهای مسکونی آپارتمانی
۱	تعداد واحد به صورت آلونک

منبع: دفتر تسهیل‌گری محله حکمت‌آباد، ۱۳۹۸

متراژ کلیه واحدهای مسکونی محله

جدول ۵. تعداد واحدهای مسکونی به تفکیک سطح زیربنا در محله حکمت‌آباد

۵۹۱	واحدهای مسکونی کمتر از ۵۰ متر
۷۲۲	واحد مسکونی ۵۱-۷۵
۲۹۱	واحد مسکونی ۷۶-۸۰
۶۴۱	واحد مسکونی ۸۱-۱۰۰
۴۵۲	واحد مسکونی ۱۰۱-۱۵۰
۱۲۲	واحد مسکونی ۱۵۱-۲۰۰
۳۴	واحد مسکونی ۲۰۱-۳۰۰

منبع: دفتر تسهیل‌گری محله حکمت‌آباد، ۱۳۹۸

محیط‌های مسکونی ساخته قوانین فرهنگی هستند. حتی ساده‌ترین بناها پدیده‌های فرهنگی مهمی هستند. نحوه ساخت بنا می‌تواند نشان‌دهنده فرهنگ و ویژگی‌های اجتماعی افراد ساکن آن بنا باشد. در خانه‌های قدیمی افرادی که از وجهه اجتماعی بالاتری برخوردارند، اتافی به نام مهمان‌خانه (یا همان اتاق مهمان) وجود دارد که از بقیه اتاق‌های خانه جدا است و درب آن فقط به روی مهمانان خاصی باز می‌شود.

فقر در حکمت‌آباد

افرادی که در محله حکمت‌آباد زندگی می‌کنند جزو تهیدستان شهری محسوب می‌شوند. اولاً نابرخوردارند از سه منبع قدرت (سرمایه مادی، دانش و مهارت انسانی واجد ارزش مبادله در بازار کار و اقتدار سازمانی چه در بدنه دولت و چه در بدنه سایر نهادهای غیردولتی و غیربازاری مثل سندیکاهای، شوراهای، اصناف و NGOها و اتاق‌های بازرگانی)، ثانیاً ناتوان از عرضه نیروی کار خویش‌اند یا اگر عرضه‌کننده نیروی کار در بازار باشند، به علل گوناگون نظیر رکود اقتصادی، اصولاً تقاضایی برای نیروی کار ناماهرشان در بین نیست و از این رو یا بی‌ثبات‌کارند و یا همیشه دستخوش بلیه بیکاری. ثالثاً در حدی که نیل به سطح متعارف زندگی در هر برهه زمانی می‌طلبند نابرخوردارند. مصداق تهی‌دستان شهری، حاشیه‌نشینان، فروشندگان دوره‌گرد، بخش اعظمی از دست‌فروشان، کارگران روزمزد بی‌ثبات‌کار، بخش وسیعی از بیکاران، مهاجران روستایی، کارگران ناماهر، ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی، متکدیان، کارتن‌خواب‌ها، معتادان بی‌سرپناه و کودکان کارند (مالجو، ۱۳۹۲: ۷۶).

بسیاری از افرادی که در محله حکمت‌آباد زندگی می‌کنند شغل‌هایی مثل کارگری، دست‌فروشی یا شغل غیرمجاز دارند؛ بنابراین می‌توان گفت که افراد این محله نیز جزو تهیدستان شهری محسوب می‌شوند. فقر در بین افراد محله یک تراژدی شخصی نیست بلکه افراد زیادی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این امر چیزی فراتر از یأس و حرمان خصوصی است و یک مسئله عمومی محسوب می‌شود که روند اجتماعی زندگی روزمره تعداد زیادی از افراد را نشان می‌دهد. افراد در مقابل پیشروی افسارگسیخته بازار و دست‌درازی‌های بی‌حد و مرزش، به راه‌حل‌های مختلفی رو آورده‌اند. بعضی به خرید و فروش مواد پرداخته و به صورت غیرمجاز درآمد کسب می‌کنند. این راه‌حل توسط گروه‌های خودتئویر یافته برای بقا ایجاد شده است. آنان

بسیاری از ارزش‌های حاکم در جامعه را کنار گذاشته‌اند تا بقای خود را تضمین کنند. فقر آنان را از قید موازین متعارف رفتار و اخلاق آسوده ساخته است. بعضی دیگر که درآمدی مشروع دارند و به کارگری می‌پردازند به صورت مسالمت‌آمیز در مجاورت کسانی زندگی می‌کنند که به فروش مواد مخدر می‌پردازند. افراد به صورت آزادانه در محل به کسب درآمد می‌پردازند و اخلاقی در کسب و کار یکدیگر ایجاد نمی‌کنند. ساکنان محله برای حل مشکلات مالی خود نیز به جای استفاده از وام بانکی و سیستم بوروکراسی موجود که لازمه آن داشتن حساب بانکی، ضامن معتبر و پرداخت سود بانکی است، به گونه‌ای سیستم اقتصادی خودساخته رو آورده‌اند که می‌توان آن را «خودمانی‌سازی بازار» قلمداد کرد. زنان مسئولیت این مهم را برعهده دارند؛ آنان صندوق‌های خانگی ایجاد کرده‌اند که قرعه‌کشی محله‌ای نام دارد.

عملکرد عمومی اقتصاد به گونه‌ای است که بخشی از فعالیت‌های اقتصادی برای گریز از محدودیت‌های وضع‌شده در قوانین و مقررات یا به علت نوع خاص فعالیت، به صورت پنهانی انجام می‌شود. وضعیت اقتصادی و گذراندن زندگی در بین کولی‌ها که در حکمت‌آباد زندگی می‌کنند متفاوت با دیگر اقوام است. خیابانی پر از بچه‌های کوچک، خانه‌هایی که به جای بستن درب آنان پرده‌هایی به آن آویخته شده است. آنها از ارزش‌هایی پیروی می‌کنند که در نظام رسمی کاملاً غیرمشروع و مذموم است. زنان وظیفه نان‌آوری خانه را بر عهده دارند و اغلب فروش مواد و تکدی‌گری در بین اینان رواج دارد. این افراد توسط اهالی حکمت‌آباد طرد شده‌اند؛ اگرچه یک خیابان به آنان اختصاص داده شده است ولی ساکنان محله با آنان معامله‌ای ندارند و صرفاً به صورت استیجاری در خانه‌های محله سکونت دارند.

امکانات و وسایل بقا

شکل ظاهری داخل خانه‌های محله بسیار ساده است و از حداقل وسایل موردنیاز برای زندگی برخوردارند. البته بسیاری از وسایل را در داخل محله و به صورت اقساطی خریداری می‌کنند. خانه‌ها معمولاً با فرش و پشتی پُر شده است. کمتر از مبلی استفاده می‌شود و معمولاً از رنگ‌های زرشکی، قرمز و لاک‌ی در وسایل استفاده شده است. خانه کولی‌ها به گونه‌ای دیگر چیده شده و چیدمان خانه‌های آنان متفاوت از دیگر خانه‌های محله است. معمولاً درب خانه‌ها را باز می‌گذارند و پرده‌ای به آن می‌آویزند. اصلاً از پشتی و فرش استفاده نمی‌کنند. در وسط خانه

گلیم بزرگی پهن می‌کنند و همگی دور هم می‌نشینند و در داخل یک ظرف بزرگ سینی مانند غذا می‌خورند. وسایل چندانی ندارند و با حداقل امکانات زندگی می‌کنند. بیشتر ظروف آنان حصیری است و از وسایل بهداشتی کمترین استفاده را دارند. کولی‌ها زندگی قبیله‌ای خود را حفظ کرده‌اند و شهر در جذب و ادغام آنان ناتوان بوده است.

تجربه زیسته و فضای زندگی

طرد پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست بلکه با توجه به بافت تاریخی-اجتماعی یک جامعه می‌تواند در سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز عمل نماید. در عرصه اقتصادی، فرم اصلی طرد عدم دسترسی به بازار کار و دیگر فرصت‌های اقتصادی است. بعد سیاسی طرد در برنامه‌های عمرانی و طرح‌های شهری نهفته است. سکونت در حاشیه با تمامی مشکلات و بدون تجهیزات شهری همان طرد اجتماعی است و طرد فرهنگی از طریق زبان، سبک زندگی و قومیت اعمال می‌شود (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). می‌توان گفت تمامی اشکال طرد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در محله حکمت‌آباد به چشم می‌خورد. وجود این طردها و انگ‌خوردگی که توسط دیگران نسبت به فضا ایجاد شده است، سبب شده که افراد در این محله دید تدافعی نسبت به دیگری داشته باشند و فقط محله را به‌عنوان مأمن اصلی خود بپذیرند. آنان نسبت به اقداماتی که دولت برای محله انجام می‌دهد دید مثبتی ندارند و بسیاری از مشکلات مثل خرابی لوله‌ها یا آسفالت کوچه را خود اهالی با کمک یکدیگر انجام می‌دهند. آنها چون پاسخ درخوری از جانب دولت نشنیده‌اند، خود دست به کار شده‌اند.

آنها نگاهی بدبینانه به محله‌های دیگر که احتمالاً تجهیزات و خدمات شهری بیشتری در آنجا یافت می‌شود، دارند. از نظر اهالی محل، فعالیت‌های شهرداری و اقدامات عمرانی آن نه تنها مفید قلمداد نمی‌شود بلکه سعی در آزار و اذیت مأمورین شهرداری نیز دارند. برای مثال چم‌بشیر، حد فاصل حکمت‌آباد و شهرک تعاون، توسط شهرداری پاکسازی می‌شود اما باز هم اهالی محله زباله‌های خود را در آنجا می‌ریزند. همچنین مشاهده می‌شود که نرده‌های آهنی پل و اطراف رودخانه هم توسط معتادین و برای خرید مواد مخدر بریده شده و به فروش می‌رسد. شاید بتوان گفت این قبیل رفتارها ریشه در فقری دارد که همواره وجه غالب زندگی روزمره ساکنان محله

بوده است، اما همزمان نشان بی‌اعتمادی به نهادها و دستگاه‌هایی است که اراده یا توانی برای تغییر اوضاع محله ندارند.

تغذیه، بهداشت و سلامت

ذخیره غذایی افرادی که در محله زندگی می‌کنند، محدود است و کمتر از گوشت و مرغ استفاده می‌کنند. حتی از مرغ‌فروشی هم به صورت نسبه گوشت تهیه می‌کنند. سیستم قصابی محله نیز متفاوت است؛ بدین صورت که فردی در حیاط خانه‌اش گوسفند یا بز را قصابی کرده و تمامی اهالی را آگاه می‌کند و در اینجا هم سیستم نسبه وجود دارد. آنها شناخت زیادی از تنوع غذاها ندارند و معمولاً از غذاهای محلی (بورانی، دم‌پختک، خوراک سیب‌زمینی) استفاده می‌کنند. در فصل بهار نیز بیشتر از گیاهان خودرو مثل کنگر و... استفاده می‌کنند. پخت غذا و طعم آن در نزد اقوام کولی به شکل دیگری است؛ آنان بیشتر از غذاهای تند استفاده می‌کنند مثل مرغ تند، سوپ تند، کوشاری (ترکیبی از برنج، ماکارونی، عدس و سس گوجه همراه با پیازداغ) و از ادویه‌های خاصی برای پخت آن استفاده می‌کنند.

وضعیت آب لوله‌کشی و فاضلاب و بهداشت محله در سطح متوسطی قرار دارد. یک خانه بهداشت در محله وجود دارد که در بین زنان باسواد رابط‌هایی را انتخاب کرده و به آنان آموزش‌هایی داده شده است. این رابط‌های داخل محله به زنان دیگر اطلاعات مربوط به سلامت و بهداشت را منتقل می‌کنند. کودکان آسیب‌پذیرترین قشر در زمینه مسائل بهداشتی هستند؛ آنان اغلب دچار بیماری‌های عفونی می‌شوند. معمولاً برای آنان خوددرمانی صورت می‌گیرد زیرا از دفترچه درمانی معتبری برخوردار نیستند و طول مدت بیماری آنان بیش از دیگر افراد است.

نهادهای مردم‌نهاد و آموزش

در محله حکمت‌آباد بسیاری از همسایگان در کنار یکدیگر کلاس‌های قرآن، تفسیر و... برگزار می‌کنند. همچنین یک حوزه فرهنگی در محله ایجاد شده است که کلاس‌هایی را به صورت رایگان برای اهالی محله برگزار می‌کند. در میان اهل تسنن نیز در مسجد محله، کلاس‌های قرآنی و همچنین آیین زندگی تدریس می‌شود. این کلاس‌ها توسط خود مردم ایجاد شده است و سیستمی آنان را ملزم به شرکت در این امور نمی‌کند. در محله حکمت‌آباد انزوای خانوارها

مشاهده می‌شود. بسیاری از کودکان در همان کوچه و برزن مشغول بازی هستند و تصور درستی از پارک، شهربازی و... ندارند. آنها به ندرت مسافرت رفته‌اند و با دنیای خارج از محله بیگانه هستند. تفریح و اوقات فراغت در ذهن آنان به گونه‌ای دیگر معنی شده است. اغلب حس خوبی به مدرسه ندارند زیرا مطالب درسی هیچ نسبتی با زندگی روزمره آنها ندارد. ساکنان محله در پاسخ به نیازهای روزمره و مقتضیات آن دور هم جمع می‌شوند، به گفت‌وگو می‌پردازند و بحث‌های بی‌پایانی را پیش می‌کشند. از این حیث، کوچه‌نشینی زنان و پاتوق‌های خاص جوانان محله را هم شاید بتوان در پاسخ به نبود امکانات و فضای کافی در خانه و عدم وجود سرگرمی و شغل قلمداد کرد.

سبک زندگی و همسایگی

محله با گروه‌های تعریف‌شده اجتماعی و قلمرو مشخص و محیط فیزیکی معین و کنش‌های متقابل کارکردی و اجتماع شناخته می‌شود. قلمرو محله حد و مرز چندان دقیقی ندارد، اما به لحاظ عرفی برای اهالی محله شناخته شده است و اهالی نسبت به محدوده آن تعصب خاصی دارند. روابط همسایگی در محله حکمت‌آباد قوی و توأم با حسی از تعاون و همیاری است. ارتباط افراد معمولاً چهره‌به‌چهره است. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، فرهنگ کوچه‌نشینی در میان زنان و حتی مردان محله وجود دارد؛ علاوه بر اینکه زنان در کنار یکدیگر جمع شده و به گفتگو می‌پردازند، مردان محله نیز پاتوق‌هایی برای خود ایجاد می‌کنند. جوانان نیز در قهوه‌خانه که قبلاً بزرگان در آن جمع می‌شدند و اکنون جوانان برای کشیدن قلیان و معامله به آنجا می‌روندگرد هم می‌آیند. کودکان فضایی ندارند و در همان فضای محله به بازی مشغول‌اند. زنان محله هستند که روابط همسایگی را قوام می‌بخشند. سبک زندگی افراد محله نزدیک به هم است. در واقع فرهنگ فقر از طریق مکانیسم‌هایی چون اشتغال ناپایدار، بیکاری، تکفل بالا و میزان درآمد کم بازتولید می‌شود. افرادی که در همسایگی هم قرار دارند به تدریج راه و رسم زندگی بین فقرا را فرامی‌گیرند و به همان شکل مرسوم و مقبول رفتار می‌کنند.

نتیجه‌گیری

هویت محله تجلی فرهنگ در محیط است. محله امکانی است که افراد خود را از دیگران خارج از آن متمایز می‌کنند و حس همسانی خود را با افراد درون محله حفظ می‌کنند. البته نباید

فراموش کرد که با اینکه افراد حس تعلق به محله دارند و خود را جزئی از خانواده بزرگ محله می‌دانند، اما الزاماً توانایی نامحدودی در حل بسیاری از مشکلاتی که در محله وجود دارد، ندارند و در نهایت با بخش زیادی از این مشکلات کنار می‌آیند. با این همه، افرادی که در محله‌های دیگر طرد می‌شوند و جایی در نظم غالب ندارند، در محله موردنظر به صورت مسالمت‌آمیز با دیگر همسایگان زندگی می‌کنند و خود را متعلق به آن می‌دانند. برای مثال، کولی‌هایی که در این محله زندگی می‌کنند با اینکه در منازل استیجاری زندگی می‌کنند و امکان مشارکت کامل در محله را ندارند، اما سال‌هاست که در این محله حضور دارند و حاضر به ترک آن نیستند. همچنین افرادی که تا قبل از ورود به محله خود را بی‌پناه می‌دانستند و با حس انگ‌خوردگی توسط جامعه سر می‌کردند، اینک خود را به نوعی مدیون محله‌ای می‌دانند که آنان را به رسمیت می‌شناسد. آنان به محله تعلق خاطر دارند و محله را بخشی از هویت خود می‌دانند. به عبارت دیگر، در اینجا شاهد نوعی این‌همانی با فضا هستیم و فضا به بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت فرد بدل شده است. شاید لازم است محله را نه با معیارهای انسان طبقه متوسط شهری بلکه با معیارهای خود محله در سیر تاریخ اجتماعی آن و تجربه‌ای که ساکنانش از زیستن در آن دارند، مورد توجه قرار داد. از این حیث، تمامی فضاهای شهری این ظرفیت را دارند که از نو ارزیابی شوند و در جهت بهبود اوضاع آنها کوشش شود، اگر که منابع ذاتی و چه‌بسا کشف‌نشده آنها تشخیص داده شوند و بسیج گردند. هر فضا و محله‌ای حاوی چیزی بیش از آن است که در نگاه اول به نظر می‌آید؛ چیزی که در نگاه اول نامرئی و ناشناخته است و یا دست‌کم گرفته شده است. شاید آنچه شایسته توجه است وجود هویتی است که مردمان این محله را در کنار یکدیگر قرار داده است؛ هویتی که علی‌رغم انواع ناهنجاری‌ها و بی‌توجهی‌ها، مجال خلق زیست‌جهانی امن برای تعداد زیادی از آنها را فراهم آورده است؛ یعنی همان زیست‌جهانی که اصل اساسی آن تحمل تفاوت‌ها و دادن معنایی به تجربه زیسته آنهاست.

منابع

- هال، استوارت (۱۳۹۳)، معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- هال، استوارت، گراسبرگ، لارنس (۱۳۹۶)، پروبلماتیک هویت، ترجمه سیاوش قلی‌پور و علیرضا مرادی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مالجو، محمد (۱۳۹۶)، «تهیدستان شهری در آینه اندیشه اجتماعی»، فصلنامه نقد اقتصاد سیاسی، شماره ۴، صفحه ۷۷-۸۶.
- دهقانی، روح‌اله (۱۳۹۴)، «مجله خبری (دو ماهنامه خبری-تحلیلی)»، شماره ۲۸، صفحه ۲-۷.
- جکسون، مایکل (۱۳۹۶)، تجربه‌گرایی رادیکال (دریاره کار و نوشتار اتنوگرافیک، ترجمه اصغر ایزدی جیران، تهران: انتشارت تیسرا.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌اله؛ قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۸)، «حاشیه‌ای بودن و شکل‌گیری هویت اجتماعی قوم لک»، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۳، صفحه ۱۹-۳۴.
- کریمی، جلیل (۱۳۹۱)، «طرح تحقیقاتی بررسی جامعه‌شناختی ویژگی‌های تاریخی-فرهنگی کرمانشاه و رابطه آن با مسائل جمعیتی»، فقر و حاشیه‌نشینی.
- Hall, s. (1996). *Who needs Identity in: Qustion of Culture identity. Dugay p editors*, London: Sage publication, P 1-17.
- Hall, s. (1990). *cultuer Identity and Diaspora. in Identity. Communit and culture*. Edited by J. Rutherford, Lawrence & Wisher.